

تأثیر نگرش اسرائیل محور

بر سیاست خارجی

دولت بوش^۱

حمید پیشگاه هادیان

چکیده

شکل‌گیری سیاست خارجی دولت بوش در قبال خاورمیانه با تحولات حساس و پیچیده‌ای مانند تشدید درگیری‌ها بین فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها، نظامی‌گری روزافزون اسرائیل به همراه به قدرت رسیدن آریل شارون، تشدید موج جدید تبلیغاتی اسرائیل درباره تهدیدات تسلیحات کشتار جمعی و مهم‌تر از همه وقایع ۱۱ سپتامبر و شکل‌گیری ائتلاف بین‌المللی به رهبری ایالات متحده بر ضد تروریسم مصادف شد.

نگرش اسرائیل محور در شکل‌گیری سیاست خارجی دولت بوش در قبال خاورمیانه موجب نزدیکی و همسگالی واشنگتن و تل‌آویو در قبال تهدیدات مشترک از جمله تسلیحات کشتار جمعی در خاورمیانه شده است. در این میان، مواضع مشترک خصمانه امریکا و اسرائیل بر ضد جمهوری اسلامی ایران که با توجه به افزایش قدرت نظامی ایران و

۱. این مقاله براساس گزارش کارشناسی آقای حمید پیشگاه هادیان در دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس تنظیم شده که پیش از این مستقلاً با شماره ۶۳۶۷ در اسفند ۱۳۸۰ انتشار یافته است.

حمایت این کشور از گروه‌های اسلامی فلسطینی و لبنانی اتخاذ شده است لزوم در پیش گرفتن تدابیری را گوشزد می‌کند.

مقدمه

شکل‌گیری پویا سیاست خارجی در هر نظام سیاسی تابع نگرش‌های متفاوتی است که در هر دوره بر اذهان سیاستگذاران کشور سیطره دارد. نگرش‌های مذکور ضمن جهت‌دهی به منظومه سیاستگذاری خارجی، می‌تواند برای تعریف و طبقه‌بندی اهداف و منافع مشترک یک کشور با کشور هدف در برخی مناطق حساس و استراتژیک جهان مفید باشد. نگرش اسرائیل محور در روند سیاست خارجی امریکا از سال ۱۹۴۷ تاکنون، در جهت‌دهی سیاست خارجی ایالات متحده مؤثر بوده است.

دوران ریاست جمهوری بوش (دوم) مصادف با تحولات خاص در منطقه خاورمیانه و در سطح بین‌المللی از جمله به بن‌بست رسیدن مذاکرات صلح فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها و تشدید درگیری در کرانه باختری رود اردن و نوار غزه، شکل‌گیری مجدد و نسبی مواضع ضد اسرائیلی در کشورهای عربی و اسلامی منطقه، تدوین و توسعه مجدد استراتژی نظامی‌گری از جانب اسرائیل با روی کار آمدن ژنرال آریل شارون، تشدید موج جدید تبلیغاتی اسرائیل درباره تهدیدات ناشی از تسلیحات کشتار جمعی در منطقه و مهم‌تر از همه، وقایع ۱۱ سپتامبر و شکل‌گیری ائتلاف بین‌المللی به رهبری ایالات متحده بر ضد تروریسم شده است.

نگرش اسرائیل محور در مجموعه نهادهای متولی سیاست خارجی ایالات متحده به دنبال آن است که میان وقایع ۱۱ سپتامبر در امریکا و سیاست‌های جاری برخی دولت‌های خاورمیانه، نیز فعالیت گروه‌های اسلامی در منطقه تحت پوشش تروریسم دولتی و تروریسم کشتار جمعی پیوندی برقرار کند. تشکیل ائتلاف بین‌المللی بر ضد تروریسم به رهبری ایالات متحده و متعاقب آن عملیات نظامی امریکا بر ضد گروه طالبان و شبکه تروریستی القاعده در افغانستان، تبدیل عراق به هدف احتمالی پس از افغانستان در زنجیره عملیات

نظامی ایالات متحده بر ضد تروریسم، و مواضع اخیر جرج بوش رئیس جمهور امریکا درباره ایران، عراق و کره شمالی از تأثیرات نگرش مذکور در جهت‌دهی سیاست خارجی امریکا پس از وقایع ۱۱ سپتامبر است.

در این میان، موج جدید تبلیغاتی بر ضد جمهوری اسلامی ایران حول محور «دخالت ایران در امور داخلی افغانستان با هدف بی‌ثبات سازی آن کشور»، «ارسال تجهیزات نظامی به دولت خودگردان فلسطین از طریق کشتی کارین - A» و «حمایت تهران از گروه‌های اسلامی فلسطینی و لبنانی با هدف اختلال در روند صلح خاورمیانه» شکل گرفته است. اما در واقع نگرانی اسرائیل بیش‌تر معطوف به گسترش و تعمیق قدرت استراتژیک جمهوری اسلامی ایران همچون آزمایش موشک شهاب - ۳ و موارد مشابه آن، نیز وحشت از دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای است.

گزارش حاضر به آثار و پیامدهای عملکرد نگرش اسرائیل محور در شکل‌دهی سیاست خارجی دولت بوش در قبال ایران می‌پردازد.

مبانی نظری نگرش اسرائیل محور

در این بخش نگرش‌های اسرائیل محور که در سیاست خارجی دولت بوش مؤثر بوده و موجب شکل‌گیری مواضع خصمانه کاخ سفید بر ضد جمهوری اسلامی ایران شده است بررسی می‌گردد.

الف) نظرات مارتین ایندایک

مارتین ایندایک^۱ از اعضای ارشد انستیتو بروکینگز^۲ است. وی به عنوان دستیار ویژه رئیس جمهور (مدیر ارشد خاور نزدیک و جنوب آسیا در شورای امنیت ملی در فاصله سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۹۵)، دستیار وزیر امور خارجه در امور خاور نزدیک در فاصله سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۷، و سفیر امریکا در اسرائیل در سال‌های ۱۹۹۷-۱۹۹۵ و از سال ۲۰۰۰ تاکنون

1. Martin Indyk
2. Brookings Institute

خدمت کرده است. مارتین ایندایک از بنیان سیاست مهار دو جانبه ایالات متحده در دوران هشت ساله ریاست جمهوری کلینتون و از مشوقان قانون تحریم ایران و لیبی^۱ بوده است.

به نظر وی سیاست خارجی ایالات متحده بر ضد تروریسم باید بر دو بازو یا محور دیپلماسی و قدرت نظامی متکی باشد؛ زیرا گسترش و تعمیق استراتژی جهانی ایالات متحده بر ضد تروریسم نیازمند پیشبرد توأم تلاش‌های دیپلماتیک و نظامی است. تلاش‌های دوگانه آمریکا باید معطوف به کشف، شناسایی و خنثی سازی منابع تروریسم بین‌المللی در خاورمیانه باشد؛ چراکه تروریست‌ها در خاورمیانه ضمن به خطر انداختن منافع حیاتی متحدین و اشنگتن در منطقه، به منافع استراتژیک آمریکا در منطقه ضربه زده‌اند. انفجار مقرر تفنگداران آمریکایی در بیروت، گروگانگیری در لبنان، انفجار پایگاه نظامی آمریکایی‌ها درالخبر عربستان سعودی، انفجار سفارتخانه‌های آمریکا در تانزانیا و کنیا و انفجار ناو جنگی آمریکا در بندر عدن از جمله اقدامات تروریستی مذکور به شمار می‌رود.

عملیات نظامی آمریکا بر ضد جنبش طالبان و شبکه القاعده در افغانستان مرحله آغازین سلسله عملیات یاد شده بر ضد تروریسم است. اقدامات بعدی باید بر ضد منابع و مراکز حامی تروریسم در خاورمیانه انجام شود. ایندایک معتقد است تشدید «خشونت»ها در کرانه باختری رود اردن و نوار غزه، از حمایت برخی کشورهای منطقه از جمله جمهوری اسلامی ایران از گروه‌های فلسطینی و لبنانی مخالف اسرائیل با هدف اختلال در روند صلح خاورمیانه حکایت دارد.

به نظر وی ایالات متحده باید تلاش کند تا بین جنگ با تروریسم و جنگ بین اسلام و مسیحیت تفاوت قائل شود. کشورهایی چون مصر و عربستان باید به دنبال خنثی کردن تبلیغات کشورهای ایران و عراق در این خصوص باشند؛ چراکه جمهوری اسلامی ایران تلاش دارد تا جنگ‌های احتمالی ایالات متحده بر ضد خود و برخی دیگر از کشورهای مشابه را جنگ بین اسلام و مسیحیت جلوه دهد. به نظر وی جمهوری اسلامی ایران به دنبال گسترش و تعمیق قدرت نظامی متعارف و غیرمتعارف خود در منطقه خاورمیانه با شعار

1. Iran and Libya Sanctions Act (ILSA)

تسلیح و تجهیز جهان اسلام در مقابل جهان کفر است. وی مدعی است آزمایش‌های موشکی اخیر جمهوری اسلامی ایران و تلاش‌های شدید این کشور برای دستیابی به تسلیحات کشتار جمعی، به ویژه سلاح‌های هسته‌ای، می‌تواند منافع حیاتی متحدان و اشنگتن در منطقه از جمله اسرائیل را به خطر اندازد. برد موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی ایران اهداف استراتژیک اسرائیل را تحت پوشش قرار می‌دهد و موشک‌های تجهیز شده کلاهک‌های کشتار جمعی نه فقط قادرند خاک اسرائیل و دیگر متحدین و اشنگتن را در منطقه هدف قرار دهند، بلکه نسبت به اهداف موجود در خاک اروپا و امریکا نیز از چنین توانی برخوردارند.^۱

ب) نظرات ریچارد سوکولسکی

ریچارد سوکولسکی^۲ از نظریه‌پردازان مطالعات استراتژیک و نظامی در بخش مطالعات نظامی نیروی هوایی بنیاد مطالعاتی راند^۳ در ایالات متحده است. وی نقشی مهم و تأثیرگذار در شکل‌دهی استراتژی امنیت ملی ایالات متحده در خلیج فارس داشته است. در ذیل به بخش‌هایی از نگرش اسرائیل محور ریچارد سوکولسکی در شکل‌دهی دکترین امنیت ملی و سیاست خارجی امریکا در خلیج فارس و به‌ویژه در قبال جمهوری اسلامی ایران اشاره می‌شود.

به نظر سوکولسکی ایالات متحده دارای منافع حیاتی و استراتژیک در خلیج فارس است و تضمین امنیت انرژی و جریان بی‌وقفه آن از منطقه به سوی بازارهای مصرف جهانی، و مهم‌تر از همه مقابله جدی با انواع تهدیدات از مهم‌ترین وظایف محول به فرماندهی مرکزی امریکا در منطقه (سنتکوم)^۴ است. تحقق اهداف مذکور با گسترش و تعمیق مناسبات استراتژیک بین واشنگتن و متحدین ایالات متحده در منطقه امکان‌پذیر

1. "Brookings Project on Terrorism and US Foreign Policy", *America's Response to Terrorism: Reaction at Home and Abroad*, The Brookings Institute, 28 Sep. 2001.

2. Richard Sokolsky

3. RAND

4. Centcom

است. از طرف دیگر، تهدیدات مطرح برای منافع حیاتی آمریکا در منطقه شامل متحدین سنتی و استراتژیک واشنگتن از جمله اسرائیل نیز می‌شود. تدوین، توسعه و تصویب طرح‌ها و فرمول‌های جدید امنیت منطقه‌ای و برگزاری مانورهای مشترک نظامی آمریکا با این متحدین، در راستای مقابله جدی با انواع تهدیدات منطقه‌ای است.

به نظر سوکولسکی دو دهه است که ایران و آمریکا، خلیج فارس را عرصه قدرت نمایی سیاسی و نظامی خود قرار داده‌اند. بازسازی قدرت نظامی متعارف و غیرمتعارف جمهوری اسلامی ایران پس از جنگ و استقرار رو به گسترش نیروهای نظامی امریکایی در منطقه حاکی از قدرت نمایی سیاسی و نظامی آن‌ها در یکی از حساس‌ترین مناطق استراتژیک جهان است. وی معتقد است که انهدام تأسیسات استراتژیک ایران در منطقه خلیج فارس به ویژه در اطراف تنگه هرمز و جزایر ایرانی با اجرای آتش هوایی و پرتاب تسلیحات هدایت دقیق از سوی یگان‌های هوایی و دریایی سنتکوم و برخی از متحدان قدرتمند آمریکا، همچون اسرائیل امکان‌پذیر است. البته باید مقامات عالی رتبه سیاسی - نظامی آمریکا و اسرائیل به خوبی بر اقدامات تلافی‌جویانه موشکی ایران و کاربرد احتمالی تسلیحات کشتار جمعی از جانب این کشور واقف باشند.

تهدیدات یاد شده از حساس‌ترین مباحث در دکترین نظامی آمریکا و متحدین واشنگتن در منطقه خلیج فارس به شمار می‌رود. وی معتقد است هر چند ایالات متحده توانایی پیروزی توأم در دو صحنه عملیاتی را داراست اما این پیروزی با همکاری استراتژیک واشنگتن و متحدین منطقه‌ای آن از جمله اسرائیل امکان‌پذیر است و طبیعی است که عمق این همکاری‌ها تهدیداتی جدی برای اسرائیل فراهم می‌آورد.^۱

توجهان عملی نگرش اسرائیل محور

نگرش اسرائیل محور متکی به حضور سیاستمداران و مشاورین سیاسی و نظامی در کادر سیاستگذاری خارجی آمریکا و اسرائیل با هدف تعریف مشترک از منافع و تهدیدات در

1. Richard Sokolsky, *Persian Gulf Security*, (USA: RAND Publications, 2001).

منطقه خاورمیانه است. کادر سیاستگذاری خارجی امریکا و اسرائیل از تندرورها و محافظه کاران سیاسی و نیز از نظامیان کهنه کار دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی هستند که از تجارب سیاسی و نظامی در تاریخ تحولات سیاسی منطقه برخوردارند.

یکی از اقدامات اساسی و مهم این افراد در راستای نگرش اسرائیل محور، تعیین تهدیدات مشترک در منطقه بر ضد امریکا و اسرائیل است. برای این منظور دو طرف سعی داشته اند تا از تسلیحات کشتار جمعی و تروریسم به عنوان تهدیدات مشترک برای منافع حیاتی و استراتژیک امریکا و اسرائیل در منطقه یاد کنند.

با وقوع حملات ۱۱ سپتامبر و تشکیل ائتلاف بین المللی به رهبری امریکا بر ضد تروریسم و تشدید سیاست نظامی گری اسرائیل بر ضد فلسطینی ها، نگرش مذکور بیش از پیش به گمراهی سیاسی امریکا و اسرائیل در منطقه منجر شده است. برای مثال، در اوج سیاست سرکوب فلسطینی ها به دست اسرائیل، جرج بوش طرح شناسایی پایتخت اسرائیل در بیت المقدس را پیش کشید. متعاقباً رئیس جمهور امریکا در معرفی استراتژی سیاست خارجی واشنگتن از سه کشور ایران، عراق و کره شمالی به عنوان محور شرارت نام برد. اسرائیل نیز در راستای همین نگرش و در همکاری استراتژیک تنگاتنگ با ایالات متحده، خواستار اجرای عملیات مشترک نظامی دو کشور بر ضد اهداف استراتژیک در عراق شد. آریل شارون نخست وزیر اسرائیل در سفرهای خارجی به ویژه در سفر به امریکا خواستار انجام حملات مشترک نظامی بر ضد مراکز مظنون به تولید و تکثیر سلاح های کشتار جمعی عراق شد و متعاقباً از ایران به عنوان هدف بعدی امریکا در مبارزه بین المللی بر ضد تروریسم در منطقه خاورمیانه و کانون تروریسم جهانی نام برد. وی در مصاحبه با روزنامه گاردین خواستار شروع حملات نظامی امریکا بر ضد جمهوری اسلامی ایران پس از عراق شده است.^۱

1. "Israel Centeric Approach and Middle East", *Guardian Archive*, Sep & Nov. 2001-2002.

استراتژی دفاعی جمهوری اسلامی ایران از منظر نگرش اسرائیل محور
یکی از ارکان تبلیغات اسرائیل بر ضد جمهوری اسلامی ایران و از منابع تأثیرگذار نگرش اسرائیل محور در تدوین و توسعه سیاست خارجی دولت بوش، استراتژی دفاعی جمهوری اسلامی ایران است.

نگرش اسرائیل محور از زمان خاتمه جنگ تحمیلی و هم زمان با بازسازی قدرت دفاعی جمهوری اسلامی ایران در صدد انعکاس تلاش‌های دولتمردان سیاسی - نظامی ایران به عنوان اقدامی بر ضد منافع حیاتی و استراتژیک ایالات متحده و متحدین واشنگتن در منطقه بوده است.

این نگرش بعد از شکست عراق در عملیات توفان صحرا در سال ۱۹۹۱ توجه خود را به تهدیدات ناشی از اشاعه تسلیحات کشتار جمعی از جمله سلاح‌های موجود در خاورمیانه معطوف ساخته است. کشف برنامه‌های تسلیحات هسته‌ای به نسبت پیشرفته عراق، موجبات نگرانی از وجود این گونه برنامه‌های مخفیانه در بین دیگر دولت‌ها از جمله جمهوری اسلامی ایران را فراهم آورده است.

اتهامات مداوم واشنگتن در مورد تلاش رهبران سیاسی - نظامی ایران برای نقض رژیم عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای، موجب قدرت‌یابی نگرش اسرائیل محور در طرح پرسش‌هایی به شرح ذیل شده است:

۱. قابلیت تسلیحات کشتار جمعی به ویژه جنگ‌افزارهای هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران چه اندازه است؟

۲. انگیزه ایران از کسب این قابلیت‌ها چیست؟

۳. در صورت دستیابی زود هنگام جمهوری اسلامی ایران به قابلیت‌های مذکور، موضع آینده جمهوری اسلامی ایران نسبت به منافع حیاتی و استراتژیک ایالات متحده و متحدین واشنگتن از جمله اسرائیل در منطقه خاورمیانه چه خواهد بود؟^۱

۱. هاله وزیری، "تلاش ایران برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای: انگیزه‌ها و نتایج"، ترجمه حیدرعلی بلوچی، فصلنامه

البته شکل گیری نگرش اسرائیل محور در قبال استراتژی دفاعی جمهوری اسلامی ایران به سال ۱۳۵۷ باز می گردد. این نگرش مدعی است که تلاش استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در ادامه و در جهت توسعه طرح های سابق هسته ای آن در بوشهر صورت می گیرد. از سال ۱۹۹۰ تاکنون جمهوری اسلامی ایران مناسبات خود را با روسیه، چین و کره شمالی در زمینه توسعه سیاست های استراتژیک تقویت کرده است. در ۱۹۹۰، تهران یک قرارداد ۱۰ ساله همکاری علمی با چین امضا کرد. روسیه نیز به توسعه زیرساخت های هسته ای جمهوری اسلامی ایران کمک شایانی کرده است. همچنین کره شمالی، جمهوری اسلامی ایران را در تولید و تکثیر موشک های بالستیک یاری رسانده است.^۱

تأیید خبر پرتاب موفقیت آمیز موشک میان برد شهاب - ۳ از سوی دولت ایران، به نگرانی های اسرائیل و ایالات متحده دامن زده است. هر دو دولت برنامه های جدید نظامی جمهوری اسلامی ایران را پیشرفتی نگران کننده، پیچیده و خطرناک توصیف کرده اند. به نظر آن ها، آزمایش این سیستم جدید موشکی، توان حمل کلاهک های بیولوژیکی، شیمیایی، هسته ای و نیز کلاهک های جنگی متعارف را برای حمله به اهدافی واقع در ۱۳۰۰ کیلومتری به این کشور داده است. متعاقب آن، کارشناسان نظامی پنتاگون اعلام کردند موشک شهاب - ۳ با تجهیز احتمالی به کلاهک های کشتار جمعی اصولاً نمونه ای آزمایشی است و ایران برای تکمیل و استقرار یک سیستم موشکی کارآمد، حداقل به یک سال وقت نیاز دارد. منابع اطلاعات نظامی امریکا و اسرائیل در مورد پرتاب موشک شهاب - ۳ و موشک های بالستیک مشابه آن از جانب جمهوری اسلامی ایران بر ضد اهدافی در اسرائیل، بخش شرقی حوزه مدیترانه، عربستان سعودی، عراق، پاکستان، بخش های جنوبی و جنوب غربی آسیای مرکزی و قفقاز و احتمالاً خاک اروپا و امریکاهشدار داده اند. همچنین منابع مذکور معتقدند که جمهوری اسلامی ایران در صدد تولید و تکثیر نسل جدید موشک های بالستیک دور برد است که می تواند منافع حیاتی و

۱. محمدعلی بصیری، ۳ ایران و سلاح های کشتار جمعی: اتهامات و واقعیت ها، مجله سیاست خارجی، سال ۱۲، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۷.

استراتژیک امریکا در برخی مناطق حساس و استراتژیک جهان را به مخاطره اندازد. متعاقب آن، امریکا و اسرائیل ضمن تشدید تحریم‌های بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران در خصوص دریافت کالاهای دو منظوره استراتژیک، چین، روسیه و کره شمالی را برای قطع حمایت‌های نظامی - استراتژیک از ایران تحت فشار قرار داده‌اند. این سه کشور متهم هستند که سیستم‌های هدایت موشکی، دانش فنی و مواد مورد نیاز برای ساخت تسلیحات استراتژیک را در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار داده‌اند.^۱

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به نقش و قدرت تأثیرگذار نگرش اسرائیل محور در منظومه سیاست‌گذاری خارجی دولت بوش، همچون تشدید موج تبلیغاتی بر ضد جمهوری اسلامی ایران و احتمال اتخاذ مواضع تند سیاسی و نظامی واشنگتن، لازم است در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با توجه به شرایط حساس بین‌المللی و منطقه‌ای به مؤلفه‌های ذیل توجه جدی مبذول گردد:

۱. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با هدف تأمین منافع و امنیت ملی از واکنش‌های انفعالی^۲ فاصله گیرد و نقش فعالانه‌ای^۳ ایفا کند.
۲. سیاست‌های دوگانه و متعارض به ایجاد شکاف عمیق در منظومه سیاست‌گذاری خارجی کشور منجر خواهد شد.
۳. اتخاذ سیاست‌های دوگانه در سیاست خارجی کشور می‌تواند فرصت‌ها را به تهدیدات تبدیل کند.
۴. کسب توانمندی و قدرت تصمیم‌گیری یکپارچه در سیاست خارجی مستلزم انسجام سیاست‌های داخلی کشور است.

۱. «آزمایش موشکی جدید ایران در آمدی بر گفتگوی واقعی با واشنگتن»، ترجمان سیاسی، سال ۳، شماره ۱۵۱، بخش ایران.

2. passive
3. active

۵. نهادهای مسئول سیاستگذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران در راستای گسترش و تعمیق اثرگذاری فعال به تعریف، طبقه‌بندی و اولویت‌بندی منافع ملی کشور پردازند.
۶. نهادهای مسئول در تأمین اهداف و اجرای وظایف مذکور از توانمندی و قدرت تصمیم‌گیری منسجم و یکپارچه برخوردار باشند.

منابع و مأخذ:

۱. "آزمایش موشکی جدید ایران، درآمدی بر گفتگوی واقعی با واشنگتن"، ترجمان سیاسی، سال سوم، شماره ۱۵۱.
۲. بصیری، محمدعلی؛ "ایران و سلاح‌های کشتار جمعی: اتهامات و واقعیت‌ها"، مجله سیاست خارجی، سال ۱۲، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۷.
۳. وزیری، هاله؛ "تلاش ایران برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای: انگیزه‌ها و نتایج"، ترجمه حیدرعلی بلوچی، فصلنامه امنیت ملی، سال اول، شماره ۲، زمستان ۱۳۷۸.
4. "Israel Centeric Approach and Middle East", *Guardian Archive*, Sep & Nov. 2001-2002.
5. "Brooking Projection Terrorism and US. Foreign Policy: America's Response to Terrorism: Reaction at Home and Abroad", *The Brookings Institutes*, 28 Sep. 2001.
6. Sokolsky, Richard; "Persian Gulf Security", USA: RAND Publications. 2001.